

از لابلای یادداشت‌ها و نبشتهای روزمره ام

## سرهم بندی طنز سیاه در "نمایشنامه افغانستان" اصل دستیابی بقدرت و چگونگی موضعگیری مسلمانان ریاکار در درگیری های دشوار، شوخی مجاز نمی باشد

جستجوی راه‌ها و وسایل پایان بخشیدن به خشونت و تأمین امنیت  
امید بستن به موفقیت‌های چشمگیر و قابل توجه در کشور  
ساختارهای غیر قابل تشخیص و مصرف ویتروینی  
پهره داری از ثروت‌های باد آورده

هر رویداد تاریخی را می‌توان پایه و اساس تغییرات منحصر بفردی برای آینده محسوب نمود که پیامد‌های آن (چه مثبت و چه منفی)، گاهی برای دهه‌ها و حتی سده‌ها احساس می‌شود. آغاز و تداوم درگیری‌ها در کشور عزیز ما منحصر بقاعده ذکر شده نبوده و نیست. دخالت عمیق و مشارکت گسترده ایالات متحده و ناتو در امور داخلی کشور ما، تداخل در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور و مبالغه‌های هنگفتی که در درگیری‌های یاد شده هزینه گردید، همه و همه دست بدست هم داده و سبب شکل‌گیری و ایجاد بحران عمیق سیاسی و اجتماعی در کشور ما گردیده که گستردگی تأثیرات و عواقب ناشی از آن را می‌توان در ساحه وسیعی، حتا در امر توسعه جهانی عملن مشاهده نمود. میان اهل سیاست و دست‌اندرکاران مسایل مربوط به روابط بین‌المللی در مورد ایجاد بحران در افغانستان و مناطق اطراف آن، نظریه واحد و یگانه‌ای اصلن وجود ندارد. وضعیت یاد شده بگونه‌گلی با ایجاد و شکل‌گیری هسته‌های جدید سیاسی مخالف و کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ (اعلام جمهوری) و تحولات ۷ ثور سال ۱۳۵۷ (اعلام جمهوری دموکراتیک)، سرنگونی رژیم قبلی و انتقال قدرت به شورای انقلابی در کشور ارتباط مستقیم دارد.

نبشته حاضر را با تذکر این مسأله آغاز می‌نمایم که بمنظور مشخص نمودن نقطه آغاز و شروع بحران در کشور باید به درس‌های اصلی ناشی از وسعت آن از اواخر دهه ۱۳۴۹ بدینسو مراجعه نمایم. درس‌ها و تجارب یاد شده برای کشور عزیز ما بمفهوم محدود کلمه و برای تمامی کشورهای منطقه ما و جامعه جهانی بمفهوم وسیع کلمه از جایگاه و اهمیت منحصر بفردی برخوردار می‌باشد. عده‌ای هم خواستار بومی‌سازی و حل و فصل درگیری‌های منطقوی در سراسر جهان می‌باشند. بی‌آیید فقط تعدادی از آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. قابل تذکر پنداشته می‌شود که آغاز و تداوم زد و خورد‌های مسلحانه در کشور ما بگونه منحصر بفردی، نتیجه وضعیت در جهان دوقطبی سده بیست و تقابل ایدئولوژیک دو سیستم جهانی و مبارزات گسترده در کشورهای در حال انکشاف بحساب می‌آید که در نوع خود به بین‌المللی شدن زد و خورد‌های داخلی نیز مساعدت نمود. یادآور باید شد که سیاستمداران و علاقمندان مسایل مربوط با افغانستان در مورد تاریخ آغاز بحران در داخل و اطراف کشور ما نظر واحدی ندارند. عده‌ای از آنها تاریخ یاد شده را مربوط به نخستین دهه پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که در افغانستان دسته‌بندیها و گروه‌بندی‌های مختلف سیاسی اپوزیسیون شکل گرفته و با کودتای نظامی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲، رژیم سلطنتی سرنگون و رژیم جمهوری در کشور بقدرت رسید که در امتداد آن با وقوع قیام مسلحانه ۷ ثور ۱۳۵۷ و بقدرت رسیدن نیروهای چپ، رژیم قبلی نیز سقوط نموده و قدرت بشورای انقلابی تحویل داده شد. نباید فراموش نمود که با سیر حوادث اینچینی، بحران چند بُعدی در کشور ما آغاز و به

سرعت سرپای جامعه را فرا گرفت. بحران در کشور ما از مراحل مختلف گذشته و چندین بُعد داشت: بُعد اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک، مذهبی و قومی. با این حال، با انکشاف اوضاع، تمرکز وضعیت از یک بُعد به بُعد دیگر انتقال یافت.

بحران یادشده در همان نخستین مراحل پیدایش از ویژگی های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برخوردار بود. پس از قدرت رسیدن نیروهای چپ در کشور (۱۳۵۷)، زد و خوردهای مسلحانه در کشور از ویژگی های انتیکی و سیاسی برخوردار بود.

نباید این امر را ساده پنداشت که با وجود تداوم حملات تروریستی و اقدامات مسلحانه در اراضی کشور عزیز ما اما افغانستان بدون امریکاییها نیز به روال عادی تکامل و پیشرفت همچنان ادامه خواهد داد. صلح در افغانستان می تواند منابع درگیری ها را شناسایی نموده که پس از آن همچنان می توان با ایجاد ثبات و تأمین امنیت در تمام منطقه ما ممد واقع گردد. اما چنین بنظر می رسد که آتش بس با "طالب" ها، تنها و تنها روی کاغذ باقی مانده و هیچگاهی بگونه تمام عیار، از قوه بفعل مبدل نگردیده است.

بخاطر ما باشد که واقعیت های موجود کشور با اعلامیه های آشتی جویانه اصلن سرسازگاری ندارد. در امتداد هشت ماه پس از امضای توافقنامه ایالات متحده - "طالب"، نمی توان از قطع آتش درگیری های مسلحانه سخن گفت. جنگجویان "طالب" در تلاشند تا بر مناطق بیشتر کشور مسلط گردند. آنها بر مراکز نظامی و امنیتی کشور حملات و یورش هایی را انجام داده، محلات بازرسی در بسیاری از محلات کشور مورد آماج آنها قرار می گیرد. در امتداد یک ماه پسین، بتعداد ۳۷ تن از نظامیان کشور، ۶۱ تن جنگجوی "طالب" و بتعداد ۴۳ تن از افراد ملکی کشور از زندگی ساقط گردیدند.

در نتیجه انفجار مین در ماه سنبله سال روان، بتعداد ۱۲ تن از افراد ملکی در ولایت بغلان کشته شدند. یکروز پس از آن، در جاده بغلان - سمنگان، "طالب" ها، دو عراده لاری مواد سوخت را آتش زده، مواد سوخت هفت عراده لاری دیگر را تخلیه و لاری های یادشده را نیز به غنیمت گرفته و مواد موجود در آنها را در بدل لیتر ۲۰ افغانی بفروش رسانیدند. اما با وجود اینهمه، توان تداوم جنگ و نبرد مسلحانه با نیروهای قهرمان امنیتی کشور را از دست داده اند، چه قوت های مسلح کشور طی انجام عملیات های مؤفانانه نظامی در ولایتهای کندهار و غزنی بمؤفقت های چشمگیری نایل گردیدند. "طالب" ها بیشتر از مدرک قاچاق و فروش مواد مخدر و اموال به غنیمت گرفته شده سد جوع می نمایند. اما با وجود اینهمه، در میدان نبرد مسلحانه در هیچکدام از عرصه های مورد نظر شان بمؤفقت آنچنانی نایل نگردیدند.

همچنان، بگونه مجدد و اما اینبار با انرژی بیشتر، بتعداد ۲۹ تن از جنگجویان آنها بر زندان جلال آباد یورش برده که در نتیجه بتعداد ۸۰۰ تن از زندانیان که بیشترین آنها افراد متعلق به "داعش" و "طالب" بودند، از زندان فرار نمودند. هدف یورش به زندان شهر جلال آباد، یک اقدام تصادفی نبوده، بلکه اقدام کاملن محاسبه شده به حساب آمده که از مدتها قبل سازماندهی گردیده بود. چه، مطابق اطلاعات داده شده، بتعداد ۲۰ گروه مختلف تروریستی منظوقی همین اکنون در اراضی کشور ما مشغول انجام فعالیت های خرابکارانه می باشند. قابل تذکر پنداشته می شود که بسیاری از افراد آنها را جنگجویان خارجی تشکیل می دهند. اگر "داعش" باز هم به جلب پشتیبانی و معاونت های سخاوتمندانه خارجی قادر گردد، اما ساحه و دایره عملکردش در افغانستان عزیز کاهش حاصل نموده که با چنین وضعیتی، با اقدامات خرابکارانه شان در خارج از قلمرو مرزهای کشور ما نیز مبادرت خواهند ورزید.

متذکر باید گردید که واقعیت وجودی "داعش" در کشور ما بمثابه دسته بندی خارجی و بیگانه پنداشته شده که هم "طالب" ها و هم قوت های مسلح کشور علیه آنها مبارزه می نمایند. کارشناسان بخاطر می آورند که با اعلام آتش بس در روزهای عید، میان دولت و "طالب" ها، آتش بس مؤقتی نافذ گردیده که شرایط و وضعیت بمیان آمده در مدت زمان تعیین شده نقض نگردیده و حتایک اقدام مسلحانه و انتقامجویانه نیز صورت نگرفت. اما محملا ت داعشی ها، بخودی خود نشانه ای از خصومت و دشمنی آنها در قبال صلح و سلم در کشور ما پنداشته میشود. اما نباید فراموش نمود که عده بیشماری در هر دو جانب قضیه موجودند که مخالف استقرار صلح و امنیت در کشور می باشند. همچنان متأسفانه که پیشرفت بجانب استقرار صلح و تأمین امنیت در کشور، بگونه قابل توجهی کند و بطی بنظر می رسد.

طبق گزارشهای منابع مؤثق، بتاريخ ۱۲ ماه عقرب سال روان در دوحه، نمایندگانی از کشور ترکمنستان بریاست

معاون وزیر امور خارجه آن کشور با نماینده های طالب شرکت کننده در مذاکرات صلح میان افغانی نیز دیدارها بی داشتند.

در جریان مذاکره و گفتگو با نماینده های شرکت کننده "طالب"ها در دوحه، بگونه ویژه ای از پشتیبانی جانب ترکمنستان از مذاکرات صلح میان افغانی و استقرار امنیت در افغانستان و استفاده و بکارگیری از راه و وسایل دموکراتیک و صلح آمیز تأکید بعمل آمده و ارائه کمک و معاونت آن کشور را نیز بمنظور پیشبرد و ادامه مؤفانته مذاکرات و عده سپردند. همچنان از جانب ترکمنستان در مورد همکاری با ساختارهای بین المللی بمنظور ترویج صلح، ثبات و رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی افغانستان تأکید بعمل آمد.

در مورد اهمیت قابل توجه حوزه های اقتصادی مانند انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، تقویه و گسترش مناسبات گسترده بمنظور توسعه افغانستان، نیز یادآوری صورت گرفت. قرار است ترکمنستان در تقویت زیرساخت های اقتصادی و تطبیق طرح های انکشافی کشور ما سهم فعال گرفته تا در تقویت مناسبات دو کشور آسیای جنوبی مؤثر واقع گردد. قبل از همه و بیش از سایر موارد، مسأله ساخت و ساز و امتداد لوله انتقال نفت (برنامه تاپی)، انتقال برق فایبرنوری از طریق مسیر ترکمنستان - افغانستان - پاکستان، ساخت و ساز بزرگراه راه آهن از ترکمنستان با افغانستان در دستور کار قرار دارد. طرف های شرکت کننده همچنان خواستار تقویه مناسبات حسن همجواری شده و علاقمندی شان را بمنظور موفقیت و مؤثریت گفتگوهای میان افغانی نیز ابراز نمودند.

همچنان، از گفتگوهای سه جانبه در مورد کشور ما میان نماینده های کشورهای فدراتیف روسیه، جمهوری هند و جمهوری اسلامی ایران نیز باید یادآوری بعمل آوردند.

در جریان ملاقات ها و گفت و شنودهای یاد شده، بگونه واضحی از وسعت و دامنه گیری بنیادگرایی و تروریسم ابراز نگرانی شده و همچنان در مورد چگونگی راه و وسایل ایجاد ثبات و تأمین امنیت و توسعه همکاری های منطقی بمنظور استقرار صلح در افغانستان، به بحث و مذاکره پرداخته شد.

جامعه بین المللی در صدد اقدامات و طرح برنامه هایی بمنظور مبارزه با تهدیدات تروریستی در افغانستان، خواهان آن می باشد تا در گام نخست اقدامات عاجل و فوری مبارزه علیه "دولت اسلامی" را که نه تنها خطر جدی برای امنیت افغانستان، بلکه تهدید مستقیم علیه صلح منطقه و جهان پنداشته می شود، رویدست گرفته شود.

به گزارش منابع اطلاعاتی، مطابق تصامیم پسین مقامات امریکایی و بویژه پنتاگون، قرار است تا نظامیان امریکایی، با ترک اراضی افغانستان، تجهیزات و برخی از سلاح های موجود را به جانب افغانستان تحویل داده و بخشی از سلاح، مهمات و تجهیزات حربی را بفروش رسانند که انتقال برخی از سلاح و تجهیزات یاد شده بکشور اکراین در نظر گرفته شده است. آیا با فراخواندن نظامیان ایالات متحده از افغانستان، خطر تهدید حملات "طالب"ها و شعله ور گردیدن مجدد درگیری ها را می توان پیشبینی نمود؟

در کشور ما، قوت های جنگی "طالب"ها و مخالفان مسلح با وجود توافقات و تفاهات حاصله، حملات تهاجمی شان را همچنان ادامه دادند که می توان از اقدامات تروریستی پسین در پوهنتون کابل یادآور شد. در شرایط و وضعیت کنونی، اینک پس از ۱۹ سال موجودیت و حضور گسترده ایالات متحده و هم پیمانانش، فراخواندن نظامیان یاد شده در دستور روز قرار گرفته است.

در امتداد زمان یاد شده در حدود ۳۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی و در حدود ۱۱۰ هزار تن از نظامیان کشور ما از زندگی ساقط گردیدند. اما تاکنون، ثبات بمفهوم واقعی کلمه در کشور تأمین نگردیده و احساس غالب، ترس از از هرج و مرج و وسعت و گسترش درگیریهای مسلحانه در داخل محدوده کشور را میتوان عملن مشاهده نمود. کاهش میزان خشونت، مسأله ایست که در وضعیت کنونی و شرایط موجود در کشور از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. ضرورت جدی احساس می گردد تا از سیر حوادث و تداوم درگیری های مسلحانه در مسیر خطرناک جلوگیری بعمل آورده، تأمین ثبات دایمی و صلح سراسری در کشور باید در سرلوحه فعالیت های قوت های مسلح کشور و سایر نیروهای صلحدوست و مترقی در کشور قرار داده شود.

"طالب"ها از همان آغاز حملات تهاجمی ایالات متحده تحت عنوان "آزادی پایدار"، در کلیه مناطق و گرد و نواح کشور ما با اقدامات و عملکردهای شان باتش درگیری ها هیزم ریخته و در این ایام پسین نیز با وجود توافق و حصول تفاهم با ایالات متحده، حملات شان را علیه قوت های مسلح کشور و بویژه علیه اهداف ملکی و غیرنظامی می کشور همچنان ادامه دادند.

میزان خشونت ها باید کاهش یابد. این آرزوی فرد فرد همشهریان کشور را تشکیل می دهد. در مورد موضوع فوق از جانب فرماندهی نیروهای ائتلاف در کشور نیز تذکراتی بعمل آمده است. آنها همچنان متذکر گردیدند که چگونه می توان انتقال مسؤلیت های امنیتی به قوت های مسلح افغان را تسهیل نمود.

قابل یادآوری می باشد که از ماه دلو سال پارتاکون هیچکدام از نظامیان امریکایی توسط "طالب" ها کشته نشده است. اما کاهش تشنج در مجموعه درگیری های میان افغانی، درهاله ای از ابهام قرار داشته که می تواند به اشکال گوناگون توجیه و تفسیر گردد.

خوب، می توان اقدام فراخواندن نظامیان امریکایی را بمثابه یک تصمیم سیاسی محسوب نمود. جنرال میلر بگونه منحصر بفردی از ارائه پاسخ در مورد تعداد نظامیان موجود که در افغانستان باقی خواهند ماند، طفره رفته و خودداری بعمل آورد. اما نامبرده اضافه نمود کاتنها(نظامیان امریکایی)، ارائه توصیه ها و مشوره های لازمی را به نظامیان افغان همچنان ادامه خواهند داد. مسایل تداوم پروسه حل و فصل صلح آمیز قضایای موجود، مسؤلیت خود افغان ها خواهد بود.

توافق ها و تفاهمنامه های ایالات متحده - "طالب"، راه و مسیر گفتگوهای میان افغانی را قسمن مساعد و مهیا نمود. البته این در نوع خود، تحول مثبتی تلقی می گردد، چه "طالب" ها طی مدت زمان حضور ایالات متحده در کشور ما، از هرگونه تماس و ارتباطی با دولت افغانستان خودداری ورزیده و مسایل مورد نظرشان را بگونه مستقیم با امریکایی ها مطرح نموده و در میان گذاشتند. اما امیدواری های نیز موجود می باشد اگر طرف های درگیری در داخل در میدان های نبردهای مسلحانه باهم به توافق و نتیجه مورد نظر نایل نمی گردند، بگونه حد اقل هم اگر شده، بدور میز مذاکره و گفتگو در مقابل همدیگر به طرح نکات مورد نظرشان مبادرت می ورزند. اما بحث و گفتگو در مورد چگونگی برنامه تداوم مذاکرات (بر بنیاد سنت حنفی و یا مطابق توافقات حاصله میان ن ایالات متحده و "طالب" ها)، به بن بست موجه گردیده و تشویش و نگرانی هایی را در مورد آینده مذاکرات و گفتگوهای مورد نظر میان افغانی سبب گردید.

اما از جانب اداره امنیت ملی کشور اظهاراتی بعمل آمد که گویا دولت افغانستان امکان تفاهم میان دولت و "طالب" ها را فراهم نموده تا افغان ها به نتیجه قطعی در مذاکرات مورد نظر که اکنون به بن بست موجه گردیده است، دست یابند. اما مشاهده می گردد که جنگ و صلح بگونه متناوبی دست بدست می شود.

قابل یاددانهایی پنداشته میشود که وضعیت امنیتی و شرایط از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت بوده، چه، قوت های مسلح کشور در برخی از محلات کشور به مخالفان مسلح خسارات هنگفتی وارد نموده و اما در برخی از بخش ها از مواضع موجود عقب نشینی می نمایند که بگونه دوامداری با استمداد از قوت های هوایی ایالات متحده در زمینه یاد شده نفع برده و اما به "طالب" ها امکان و فرصت اشغال و تصرف مناطق مورد نظر (بویره مراکز اداری)، میسر نمی گردد.

دولت و قوت های مسلح کشور ما از تبدیل وضعیت کنونی کشور در جهت منفی و غیر قابل قبول و یا تعویض در درگیری های کنونی به جنگ داخلی در کشور ممانعت بعمل آورده و با تمامی نیرو و قوت لازم در مسیر یاد شده تلاش خواهد ورزید.

اما با وجود اینهمه، با ختم عملیات هوایی توسط نظامیان امریکایی، "طالب" ها با اقدامات تلافی جویانه علیه قوت های مسلح و بویره علیه اهالی ملکی کشور مبادرت می ورزند. آنها ادعا می ورزند که پیلوت های امریکایی با بکارگیری و استفاده از هواپیماهای نظامی متعلق بدولت افغانستان با اجرای عملیات هوایی مبادرت می ورزند.

قابل یادآوری پنداشته می شود که با اجرای عملیات قوت های هوایی نظامیان ایالات متحده در هلمند، "طالب" ها با اظهار این موضوع که امریکایی ها توافق صلح منعقد را نقض می نمایند، بحملات شان همچنان ادامه دادند.

چگونگی حوادث و نحوه سیر و احوال در کشور عزیز، این واقعیت را بر ملا می نماید که دال بر موجودیت علایم مشخص و واضحی از قرار گرفتن و باقی ماندن توانایی های ایالات متحده بمفهوم وسیع کلمه، همچنان در چمدان ها و صندوق های سفری نمایندگی می نماید و این واقعیتی است کاملن واضح و مبرهن که انکار از آن بمفهوم پنهان نمودن آفتاب با دوانگشت محسوب می گردد.

یکشنبه ۱۸ ماه عقرب سال ۱۳۹۹ خورشیدی